



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۸/۰۹

اسحق نگارگر

اگر صلح میکنید از انتخابات بگذرید!

صلح با انتخابات چه رابطه دارد؟

امارت اسلامی طالبان نظامی است که به انتقال قدرت از یک دست به دست دیگر اعتقاد ندارد و همین نظام مبتنی بر دکتاتوری ملایان را آنان حکومت خدا بر زمین میدانند و هر کس که در باره این ملاسالاری گرفتار شک و تردید شود کارش رابه کفر و زندقه و خروج از اسلام می کشانند و همین شیوه حکومت دینی بود که کشیشان قرون وسطی بر جامعه قبل از رنسانس بر اروپا تحمیل کرده بودند و دانشمندان را که به فرمان تحقیق و تجربه علمی بر اعتقادات کلیسا شک میکردند بیرحمانه در آتش می افکندند و ژوردانو پرونو یکی از قربانیان معروف آن بود. کلیسا آزادیها و تحصیل زنان را حرام میخواند و همانند همین طالبان روزگار ما اگر مجبور میشدند زیر فشار اجتماعی به اصل ضرورت تعلیم و تریبه تن میدادند حرف حساب شان این بود که زنان و مردان جدا از هم و در مکاتب جدا از هم درس بخوانند که این فشار غیر لازم بر اقتصاد جامعه از هیچ دیدگاه پذیرفتنی نبود زیرا که اقتصاد ایجاب میکند که جامعه با مصارف کم کار زیاد انجام بدهد. بدترین سیمای این سیستم راندن نیروی کار جامعه به صومعه ها و عبادتگاه های دور از شهر بود که در آن راهبان و ارباب کلیسا بر هزاران زن تجاوز کردند و آن زبان راطعمه زبانه های آتش کردند و بالاخره نهضت رنسانس در سرپای جامعه اروپایی با قبول قربانی های فراوان دست تسلط کلیسا را از زندگانی اجتماعی کوتاه کرد.

عاقلاً همیشه از تجربه های مثبت و منفی دیگران می آموزد و شیوه عمل خود را طوری عیار میکند که عقبگردیها را در تاریخ خویش کاهش دهد و برای همین است که مطالعه تاریخ به درد میخورد ولی ساده لوح دوپارا در یک موزه میکند که جامعه را از حالت اعتدال بیرون آرد و تجارب منفی را بار بار تکرار کند. اسلام دینی زنده و پیر از تحرک بود که در یک صد سال بعد از رحلت نبی کریم نیم جهان آن روز را تسخیر کرد و دانشمندان و ساینس دانان مسلمان پیشقراول نهضت های علمی گردیدند در حالیکه محافظه کاران مذهبی غم غم کنان این سینا، این عربی و دیگر پیشگامان فکرو اندیشه را تکفیر میکردند اما تاریخ به راه خود رفت.

امروز جهان اسلام سخت گرفتار بحران عقیدتی گردیده است و حتی جریان های مذهبی نیز متهم استند که در دست قدرتهای بزرگ سیاسی بازیچه استند. امروز جهان اسلام سخت نیازمند نهضت های علمی و فرهنگی است که کشتی اسلام را به سوی راهی از فقر و گرسنگی برهاند و به سوی استقلال اقتصادی و سیاسی راهنمایی کند و اسلام را از دستگیری دیگران نجات دهد و چنانکه رسول مقبول فرموده بود دست مسلمان را از این حالت دست گیرنده و گدا به دست بخشنده و کریم بدل کند و این کار از یک نظام ملا سالار به هیچوجه ساخته نیست. امریکا در مذاکرات خود با طالبان منفعت خود را در منطقه در نظر دارد و شاید با پذیرش نظام " امارت اسلامی" در افغانستان برای خود یک عربستان سعودی دیگر ایجاد کند که خریدار سربه زیر مودرن ترین سلاح های امریکا باشد و از آن سلاح ها برای هرج و مرج و پراکندگی در دنیای اسلام استفاده کند. مقامات افغان که تا حال وارد میدان مذاکره با طالبان گردیده اند منفعت طلبانی بوده اند که میخواستند طالبان با ثروتها و اندوخته های آنان کاری نداشته باشد و حتی در گوشه و کنار امارت اسلامی خودیگان مقام وزارت و سفارت به ایشان نیز ببخشند و از این گونه معامله گران کار افغانستان به صلاح نمیرسند و اگر طالبان با دولتی که از کوره انتخابات

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

افغانستان با یک درجه صلاحیت بیشتر وارد معرکه میشود میتواند با دست پُر وارد مذاکره شود گفت وگو کنند طبعاً آن دولت که رای مردم را با خود دارد صلاحیت بیشتر دارد به همین دلیل من برخلاف دیگران فکر میکنم که نخست انتخابات وبعدها آن مذاکره صلح با طالبان ودراین مذاکره با طالبان چند اصل باید مطرح باشد:

۱ (آیا طالبان انتخابات آزاد واصل اراده مردم را می پذیرند؟

۲ (اگر طالبان برایاجاد "امارت اسلامی پا فشاری می کنند آیا حاضر استند زیر نظر ملل متحد امارت خود را در آیینة فراندنم وپرسش از مردم ببینند یا آنرا به زور سرنیزه بر مردم تحمیل میکنند.

۳ (طالبان آزادی احزاب سیاسی، آزادی مظاهرات و آزادی های مدنی را می پذیرند ویا یک جامعه بسته وگردن زن ایجاد میکنند که در قونسلگری خود یک ژورنالست مخالف را با اعمال صد گونه شکنجه بکشند وبا تمام لباس ها در چشم جهانیان درآیند وبه بادار امریکایی رشوه ها بدهند وقضیه را مانند ژورنالست به خاک فراموشی بسپارند.

۴ (موضوع اخیر ولی پر اهمیت تر از موضوعات بالایی موضوع تعلیم وتربیه زنان است .طالبان برای زنان مطابق استعداد وگرایش فکری شان فرصت تعلیم وتربیه میدهند یا هنوز هم جاهلانه کار را به کارهای زنانه ومردانه تقسیم میکنند. اصرار طالبان بر مکتب ها وپوهنتون های جداگانه نه از نظر اقتصادی ممکن است ونه از نظر تسهیلات.آخر چه گونه یک کشور فاقد استقلال اقتصادی میتواند برای زنان ومردان پوهنتون های جداگانه ایجاد واستادهای جداگانه استخدام نماید.

اگر طالبان صلح میخواهند باید دلایل قانع کننده بگویند ودلایل قانع کننده بشنوند واگر به عنوان یک نیروی غالب میخواهند جامعه را به مذاق خود شکل بدهند دراین صورت صلحی در کار نیست ودیگر مردم نیز با آنان به زبان بیبدل سخن میگویند که:

زین عرصه اصداد مکش ننگِ فسردن گیرم همه تن صلح شوی جنگ برون آ

فاعتبروا یا اولی الابصار نگارگر ۹ اگست ۲۰۱۹ نگارگر